



سازمان امنیت و همکاری اروپا

تیم حمایت از انتخابات در افغانستان

پیشنهادات در مورد
انتخابات پارلمانی 2005

6 اکتوبر 2005

فهرست محتویات

| | | |
|----|--|---|
| 1 | مقدمه | 2 |
| 2 | 1. مبنای مسئولیت | |
| | 2. موضوعات عملیاتی و امنیتی | |
| | 3. روش/میتود | |
| | 4. سپاس: | |
| | 2. مرور کلی | |
| | 3. پیشنهادات | |
| 4 | أ. تقویم انتخاباتی | |
| 6 | ب. سیستم انتخابات | |
| 7 | ج. ثبت نام رایدهنگان، حوزه بندی انتخابات و سرشماری | |
| 8 | د. تفاوت‌های منطقی | |
| 8 | ه. عدالت انتقالی و سیستم انتخاباتی | |
| 10 | و. چارچوب حقوقی: | |
| 11 | ز. اداره انتخابات: | |
| 12 | ح. شکایات انتخاباتی و دعاوی | |
| 13 | ط. طرز العمل و موضوعات عملیاتی رایدهی | |
| 13 | ی. شمارش و جدول بندی آراء | |
| 14 | ك. کاندیدها و احزاب سیاسی | |
| 15 | ل. انکشاف طویل المدت احزاب سیاسی و کاندیدان | |
| 16 | م. کمپاین/مبارزات انتخاباتی | |
| 16 | ن. تعلیمات مدنی و انتخاباتی | |
| 17 | س. رسانه ها | |
| 18 | ع. نظارت داخلی | |
| 18 | ف. جامعه مدنی | |
| 19 | ص. اعضای جدید پارلمان | |
| 19 | 4. زنان و پروسه انتخابات | |

ضمیمه: فیصله شماره 686 تیم حمایت انتخاباتی برای افغانستان

1. مقدمه

أ. مینی

به اساس مصوبه شماره 686، مورخ 7 جولای 2005 شورای دائمی سازمان امنیت و همکاری اروپا تصمیم بر آن شد تا یک ارگان همکار با سازمان امنیت و همکاری اروپا، یک تیم حمایت از انتخابات را به افغانستان ارسال نماید. همچنان به تعقیب این تصمیم، سازمان امنیت و همکاری اروپا دعوتنامه جداگانه ایرا از طرف وزیر خارجه افغانستان داکتر عبدالله عبدالله و رئیس دفتر مشترک تنظیم انتخابات آقای بسم الله بسمل دریافت نمود که در آن تقاضا شده بود تا این سازمان از انتخابات ولسی جرگه و شوراهای ولایتی که در 18 سپتمبر انجام یافت، نظارت نماید.

تیم حمایت از انتخابات سازمان امنیت و همکاری اروپا دومین تیمی بود که به افغانستان اعزام شد، تیم اول در سال 2004 در جریان انتخابات ریاست جمهوری یعنی یکسال قبل، اعزام شده بود. ازینکه در آن زمان یعنی در سال 2004 تیم حمایت از انتخابات ماموریت نظارت از انتخابات را از طرف سازمان امنیت و همکاری در اروپا به عهده نداشت، وظیفه این تیم صرفاً تحلیل عناصر کلیدی فضای انتخاباتی بشمول سیستم انتخابات، مبارزات انتخاباتی و قوانین، اداره انتخابات، توزیع کارت های رایدهی، شمارش و روند شکایات و استیناف خواهی بود. همچنان وظیفه ارائه پیشنهادات پیرامون بهبود انتخاباتهای بعدی و انتقال مهارتهای اداره انتخابات و منابع انتخاباتی را به ادارات ملی، داشتند. مشوره دهی به مقامات برگزار کننده انتخابات عندالضرورت و حتی در جریان پروسه انتخابات نیز شامل صلاحیتهایشان بود.

ب. موضوعات عملیاتی و امنیتی

تیم حمایت انتخاباتی به تعقیب یک ماموریت اکتشافی سازمان امنیت و همکاری اروپا ایجاد شد و از تاریخ 26 می الی 1 جون 2005 به افغانستان اعزام شد تا آمادگی ها برای برگزاری انتخابات 18 سپتمبر را تحلیل نموده و پیرامون چگونگی پاسخ سازمان امنیت و همکاری اروپا به این دعوت ها، پیشنهاداتی را ارائه کنند. آقای کاری ولن (تبعه کشور ناروی) ریاست این ماموریت کاوشی و اکتشافی را بعهدده داشت.

یک پلان کاری مؤقت و بودجه مربوطه برای تیم حمایت از انتخابات در جون 2005 تهیه گردید. در اوایل سپتمبر، هشت تیم با دو کارشناس توظیف شده و در مراکز پنج ولایت - کابل، هرات، مزار شریف، کندهار، و جلال آباد بر علاوه یک گروپ مرکزی و عمده در کابل، جابجا شدند.

موضوع امنیت در اولویت تیم حمایت از انتخابات قرار داشت. توافق نامه ها میان هردو قومندانی مشترک نیروها و قوای ایساف تحت رهبری سازمان ناتو و همچنان با حکومت افغانستان و دفتر مشترک تنظیم انتخابات صورت گرفت. این ماموریت وظایف خود را تحت یک چتر بسیار مهم امنیتی که شرایط ایجاب آنرا مینمود، فعالیت نمود. امنیت پرسونل و اداره به نهادهای امنیتی خصوصی سپرده شده بود.

تیم حمایت از انتخابات متشکل از سی و دو تن کارمند از شانزده کشور سهم گیرنده بود. نه تن آنها کارمند قراردادی از سکرتریت، شش تن آنها به اساس قرار داد کاری و هفده تن باقی آنها بشکل خدمتی اعزام شده بودند. آقای کریج جینیس (تبعه کشور کانادا) ریاست این تیم را بعهدده داشت.

ج. روش/میتود

تیم حمایت از انتخابات مربوط به سازمان امنیت و همکاری اروپا یا OSCE مجالس و ملاقاتهای منظم با نهادهای برگزار کننده انتخابات، نامزدان و احزاب سیاسی، نهادهای جامعه مدنی و نمایندگان جامعه بین المللی داشتند. در روز انتخابات این تیم از مجموع 26500 محل رایدهی تقریباً از 250 محل رایدهی بازدید بعمل آوردند. اعضای تیم روش نظارت را بکار نبردند بلکه اکثراً اعضای تیم بشکل انفرادی از محلات رادهی

بازدید نمودند و مدت بازیدها نیز متفاوت بود. همچنان تیم مذکور از مجموع 32 مرکز ولایتی شمارش آراء، از 8 مرکز آن بازدید نمود تا پروسه شمارش و تقسیم بندی آراء را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد.

تیم حمایت از انتخابات مربوط به سازمان امنیت و همکاری اروپا توانست تا پیشنهادات خود را در جریان پروسه انتخابات ارائه نماید. ارائه پیشنهادات در ابتداء از طریق تدویر مجالس با مقامات مسئول برگزاری انتخابات، و از طریق پیشنهادات کتبی ایکه برای مقامات برگزارکننده انتخابات و برای ناظرین پیرامون کمبودی اوراق رایدهی، محل شمارش آراء، شفافیت و تلفیق آراء تقدیم گردید.

د. سیاس:

تیم حمایت از انتخابات سازمان امنیت و همکاری اروپا میخوهد صمیمانه ترین تمنیات خود را خدمت رئیس جمهوری افغانستان و کابینه محترم شان، وزیر محترم خارجه، رئیس ستره محکمه، دفتر مشترک تنظیم انتخابات، دارالانشای دفتر مشترک تنظیم انتخابات و سایر مقامات افغان در سطوح مختلف بخاطر حمایت و همکاری شان تقدیم میکند.

این تیم همچنان از همکاری بی شایبه سفارت محترم افغانستان در ویانا اظهار امتنان میکند. همچنان این تیم از دفتر یوناما، ایساف، اتحادیه اروپا، نماینده کمیسیون اروپا، سفارتخانه ها و دیپلمات های مقیم در کابل، اظهار سپاس مینماید. این تیم همچنان میخوهد از ناظرین و نهادهای ملی و بین المللی بشمول ماموریت نظارت بر انتخابات اتحادیه اروپا EUEOM، شبکه آسیایی برای انتخابات آزاد (ANFREL)، بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (فیفا) و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان سپاسگذاری نماید. در نهایت، این تیم میخوهد از تمام آنده افغانانیکه برای تشریک نظریات و تجارب شان وقت گرانبهای شان را با ما صرف نمودند، سپاس گذاری نماید.

گروه موظف برای تهیه ستراتیژی بعد از انتخابات یوناما یا (PESG)، یک ستراتیژی ایرا برای حمایت از انکشاف اداره انتخابات و ظرفیت سازی آن ساخته است. پیشنهادات این تیم سازگار با ستراتیژی مذکور میباشد.

2. مرور ویا ارزیابی کلی

انتخابات سال 2005 یک گامی بسوی پیشرفت در تقویه دموکراسی، ثبات و حقوق بشر در افغانستان شمرده میشود.

نهادهای امنیتی ملی و قوای بین المللی قضای امن و مصئون را با وجود تهدیدات جاری در کشور برای برگزاری انتخابات مساعد نموده بودند. برخلاف انتخابات 2004 رایدهی در تمام ولسوالی ها در این انتخابات صورت گرفت. باوجود اینکه معلوم میشود که تعداد رایدهندگان کمتر از رایدهندگان در سال 2004 بود، مردم افغانستان بار دیگر تعهد خود را، مخصوصاً در قضیه اشتراک زنان در انتخابات بشکل خیلی شجاعانه و با کمال شهامت، تجدید نمودند.

فضای سیاسی افغانستان هنوز هم در انحصار افراد، نه احزاب میباشد. احزاب سیاسی نیم بند است و بعضی ها به دیده شک به آن مینگرند. سیستم انتخاباتی رای واحد غیر قابل انتقال که تحت آن تمام کاندیدان به مبارزات انتخاباتی پرداختند، انعکاس دهنده سیاست مبتنی برشخص بود. این سیستم برای رشد احزاب سیاسی کمتر موثر بود.

اوراق رایدهی طویل (شش صفحه و 380 کاندید در کابل) امور لوجستیکی، رایدهی به نامزد دلخواه و خصوصاً شمارش آراء را مغلط ساخته بود. در نبود احزاب قوی سیاسی، گمان میرود که پارلمان جدید متفرق باشد و به حمایت عاجل و متداوم نیاز خواهد داشت.

بسیاری از افغانها و حامیان حقوق بشر از اینکه باوجود پروسه تزکیه و بررسی لسٹ کاندیدان، کسانی نامهایشان در اوراق رایدهی دیده میشود که به خشونت های اخیر در کشور ربط دارند، اظهارنگرانی نموده اند. همزمان "جنگسالاران" یا "قومندانان سابقه" از پشتیبانی قابل ملاحظه مردمی در احراز کرسی ها برخوردار اند. این موضوع سبب بی اعتمادی مردم و ناظرین بالای انتخابات گردیده است. گرچه نهادهای برگزار کننده انتخابات با هر قوت که باشند نمیتوانند جاگزین خوبی برای محاکم، کمیسیونهای حقیقت یابی و یا

هیئت خلع سلاح کننده، باشند. در نبود پیشرفت دائمی در عرصه آجندای عدالت انتقالی، اعتماد مردم بالای انتخابات های بعدی و پارلمان، شاید کمتر شود.

نهادهای برگزار کننده انتخابات مکلف بودند تا انتخابات را در یک وضعیت پر از چالش دایر نمایند. طوریکه متوقع بود در مناطقیکه امنیت کمتر تامین بود، حاکمیت دولتی ضعیفتر و نظارت محدود بود، مشکلات انتخاباتی نیز بیشتر بود. تقسیمات شهری/روستائی و شمال / جنوب افغانستان باید کاهش داده شود. این به یک کوشش همه جانبه نیاز دارد. اداره انتخابات میتواند نقش مهمی را بازی کند اما رهبریت باید بدست ساختارهای امنیتی ملی و بین المللی باشد.

ایجاد مؤفانده شورای ملی و شوراهای ولایتی نقطه پایان برای توافقاتیکه در جلسه بن در سال 2001 صورت گرفته بود، خواهد بود.

پیشنهاداتیکه باید در اولویت قرار داده شود -

1. انتخابات بعدی با حفظ اعتماد در پروسه، باید به هزینه بسیار مناسب برگزار شود. این کار موجب انتقال مهارتهای انتخابات و منابع آن به نهادهای ملی میگردد. کمیسیون مستقل انتخابات به حمایت عاجل و منابع نیاز خواهد داشت.

2. از نقطه نظر تخنیک، تدویر کمترین انتخابات قبل از انتخابات ریاست جمهوری 2009 بهتر خواهد بود. از این مقطع زمانی برای موارد ذیل استفاده اعظمی باید صورت بگیرد:

- حمایت از شورای ملی و شوراهای ولایتی و ایجاد هماهنگی بین هر دو؛
- تقویه و تحکیم اداره ملی انتخابات؛
- توزیع کارت های رایدهی بشکل متداوم، تعیین حوزه های انتخاباتی، ثبت احوال و نفوذ و سرشماری؛
- رشد احزاب سیاسی؛ و
- راه اندازی تعلیمات مدنی بشکل گسترده، بویژه در بین زنان، جوانان، روستانشینان و در مناطق جنوب و جنوب غرب کشور؛

3. افغانستان باید همین حالا در عرصه موضوعات دشوار عدالت انتقالی پیشرفت کند؛ بویژه در ساحات اصلاحات اداری و قضائی، جستجوی حقایق و مستند سازی، و مسئولیت پذیری قضائی. در غیر آن خطر واقعی تحت تاثیر آوردن انتخابات های آینده توسط این مسایل، از احتمال بعید نخواهد بود.

4. برای افزایش تعلیمات مدنی و فهم دموکراسی بویژه در مناطق روستائی بشمول مناطق جنوب و جنوب غرب به کوشش همه جانبه ایکه حمایت قوای ملی و بین المللی را داشته باشد، نیاز است.

5. حمایت قوی و متداوم از زنان جهت سهم کامل شان در پروسه های سیاسی افغانستان، باید صورت بگیرد.

3. پیشنهادات

أ. تقویم انتخاباتی

انتخابات فعلی آجندای توافقات بن را تکمیل مینماید اما سه انتخابات دیگریکه به اساس قانون اساسی باید برگزار گردد عبارتند از: انتخابات ولسوالی ها، شاروالی ها و شوراهای محلی، باقی مانده است. بدین لحاظ سوال پیدا میشود که چه وقت این انتخابات ها و بکدام ترتیب صورت بگیرد.

تدویر انتخابات در سال 2006 به دلایل ذیل، بسیار دشوار خواهد بود:

- سرحدات تمام ولسوالی ها، شاروالی ها و قریه جات مشخص نگردیده است.
- به یک ثبت نام یا توزیع کارت رایدهی جدید نیاز است تا رایدهندگان به حوزه های رایدهی تقسیم شوند.
- انتخابات یک بار سنگین را بالای نهادهای ملی در حال رشد گذاشت. برگذاری انتخابات سومی در خلال سه سال آینده ممکن پروسه نهادسازی و انکشاف آنها را به کندی مواجه کند و علاقمندی رایدهندگان را کمتر سازد.
- در آینده قابل پیشبینی انتخابات در افغانستان به کمک مالی کشور های تمویل کننده نیازمند خواهد بود. گروه استراتژی مابعد انتخابات مربوط بوناما، مصارف انتخابات شاروالی ها را بشمول تجدید ثبت نام رایدهندگان بالا تر از 100 ملیون دالر پیش بینی نموده است¹.
- چالشها در برابر امنیت در انتخابات محلی به مراتب بیشتر از انتخابات در سطح بالا تر خواهد بود.

صرف نظر از تاریخ انتخابات بعدی، پارلمان باید بشکل بهتر مواعید انتخابات ها را تنظیم کند. در حال حاضر گفته میتوانیم که انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی بعد از هر 5 سال برگزار میگردد، انتخابات شوراهای ولایتی هر 4 سال بعد، انتخابات ولسوالی ها و قریه ها هر 3 سال بعد. مطابق این چهارچوب در هر سال یک انتخابات باید در افغانستان برگزار شود که افغانستان نه از نگاه سیاسی و نه از نگاه مالی توان آنرا دارد.

پیشنهادات:

- پارلمان باید هرچه عاجلتر در مورد جدول زمانی انتخابات ولسوالی ها، شاروالی ها و قریه ها تصمیم بگیرد.
- از نقطه نظر تخنیکی، تدویر کمترین انتخابات قبل از انتخابات ریاست جمهوری 2009 بهتر خواهد بود. از این مقطع زمانی برای موارد ذیل استفاده اعظمی باید صورت بگیرد:
 - ایجاد هماهنگی بین شورای ملی و شوراهای ولایتی؛
 - تقویه و تحکیم اداره ملی انتخابات؛
 - توزیع کارت های رایدهی بشکل متداوم، تعیین حوزه های انتخاباتی، تعلیمات مدنی و آگاهی عامه؛
 - ساختن احزاب سیاسی؛
 - راه اندازی تعلیمات مدنی بشکل گسترده، بویژه در بین زنان، جوانان، روستانشینان و در مناطق جنوب و جنوب غرب کشور؛
- پارلمان باید هر چه عاجلتر بالای چوکات زمانی انتخابات بعدی توافق نماید. حکومت، کشورهای تمویل کنند و اطراف ذیدخل در انتخابات باید بشکل درست ابتکارات اصلاحی را ترتیب نموده و برنامه ها و منابع را اولویت بندی نمایند.
- چنین به نظر میرسد که انتخابات شاروالی ها گزینه بعدی است. پارلمان باید سایر انتخابات های سطوح پائین را در یک تاریخ بعد از 2009 جدول بندی نماید. پارلمان باید تصمیم بگیرد که آیا

¹ مصارف مستقیم در دو انتخابات گذشته، بشمول ثبت نام رایدهگان نزدیک به 300 ملیون دالر رسیده بود. تمام این مصارف توسط جامعه جهانی پرداخته شد. عاید داخلی حکومت افغانستان در حال حاضر 350 ملیون دالر میباشد.

انتخابات ولسوالی ها و قریه ها به شکل غیر مستقیم دایر شود یا از طریق جرگه ها که به تعداد انتخابات های مستقیم، یعنی به چهار انتخابات که مدیریت آن آسانتر خواهد بود، کاهش داده شود. البته این کار ایجاب تعدیل را در قانون اساسی می نماید.

- پارلمان باید یک سیستم انتخابات دورانی را ایجاد نماید. انتخابات ریاست جمهوری و ولسی جرگه در هر چهار/پنج سال برگزار شود و انتخابات های سطوح پائین با زمانبندی معین، دو سال بعد از انتخابات ریاست جمهوری و ولسی جرگه برگزار شود.
- صلاحیتهای حقوقی، مدت و اختیارات ادارت حکومتی در سطوح مختلف باید قبل از آغاز پروسه انتخابات مربوط به آن ارگان، در قوانین تصریح شود.

ب. سیستم انتخاباتی

هیچ نوع معیار بین المللی برای اختیار نمودن یک سیستم مشخص انتخاباتی بشکل جبری وجود ندارد. سیستم انتخاباتی رای واحد غیر قابل انتقال اجرای انتخابات را معلق ساخته بود و مصارف را نیز بالا برده بود، اما گزینه های دیگر - مانند سیستم لست باز - میتوانست عین مشکلات را بار آورد. سوال های منطقی در مورد سازگار نبودن سیستم انتخاباتی حزبی در این انتخابات وجود داشت؛ مخصوصاً عدم رشد کامل احزاب و بی اعتمادی بخشی از مردم بالای این احزاب. هر چند، در دراز مدت سیستم انتخابات مبتنی بر احزاب نسبت به سیستم رای واحد غیر قابل انتقال در ایجاد یک پارلمان مؤثر، با شمولیت زنان و سایر گروه های منزوی، و برای انکشاف پلیت فورم های حزبی بجای سیاست های شخص محوری، بهتر خواهد بود.

تقسیمات فعلی کرسی ها در ولسی جرگه بالای ولایات و تعداد کرسی های اختصاصی کوچی ها به اساس آمار سرشماری سال 1979 (با در نظر داشت رشد سالانه نفوذ)، سروی ناقص از لست خانه ها و محاسبات اضافی محاسبه شده است. (تا از تقسیمات کرسی ها بالای ولایات و زنان مطمئن شوند). تقسیمات فعلی کرسی ها در ولسی جرگه بشکلی متنازع فیه است و زمانیکه آمار و ارقام دقیق بدست آمد باید تجدید نظر شود.

پیشنهادات:

- انتخابات آینده ولسی جرگه و شوراهای ولایتی (در 5 سال) باید تحت سیستم انتخابات حزبی با تضمین حق مساوی نامزدان مستقل برای کاندید شدن، برگزار شود. تیم حمایت انتخاباتی - مانند سال گذشته - در نظر گرفتن سیستم مختلط لست بسته متناسب به نمایندگی از تمام کشور (مشروط بر اینکه از گذاشتن زنان در نهایت لست اطمینان حاصل شود)، را پیشنهاد میکند.
- گزینش سیستم انتخاباتی برای انتخاباتهای معطل شده باید با در نظر داشت فکتورهای دیگر منوط به یک ارزیابی از قوت احزاب سیاسی و پذیرش عامه از آنها در وقت انتخابات، صورت بگیرد. بعد از مشاورت های وسیع با مردم نوعیت سیستم انتخاباتی باید از قبل بشکل درست به اطلاع عامه رسانده شود.
- اگر در انتخابات بعدی سیستم انتخاباتی "رای واحد غیر قابل انتقال" ترجیح داده شد کوشش های اعظمی باید صورت بگیرد تا احزاب سیاسی بنحوی شامل آن شوند. بگونه مثال: احزاب باید بتوانند نام و لوگوی خود را در مقابل کاندیدان حزب شان در اوراق رایدهی درج نمایند همچنان در سیستم حزبی حق کاندیدان مستقل باید تضمین شود.

- پارلمان باید در مورد تقسیم کرسی های ولسی جرگه قبل از دوران انتخابات ملی در سال 2009 تجدید نظر نماید. سرشماری باید خیلی از قبل تکمیل شود تا پارلمان وقت کافی برای جر و بحث و تصمیم گیری در مورد تقسیم کرسی ها داشته باشد.

- اگر انتخابات آینده باز هم به اساس سیستم انتخاباتی "رای واحد غیر قابل انتقال" صورت میگیرد، باید ولایات بزرگ به چندین حوزه انتخاباتی با عضویت چند ولسوالی، تقسیم شوند.

ج. ثبت نام رایدهنگان، حوزه بندی انتخابات و سرشماری

در ثبت نام رایدهنگان یا توزیع کارت رایدهی نواقص و اشتباهات زیاد و مشخص وجود دارد:

- تعداد زیادی از رایدهنگان بیشتر از یکبار ثبت نام نموده اند و کارت رایدهی اخذ نموده اند؛
- بسیاری کارتها حاوی معلومات کافی برای مشخص ساختن رایدهنده به یک ولسوالی، شاروالی یا قریه، یا برای مشخص ساختن رایدهنده به یک مرکز رای دهی در یک حوزه انتخاباتی، نیست؛
- کدام روش منظم برای تجدید کارتهای رایدهی وجود ندارد بویژه در حالت تغییر مکان یک رای دهنده؛ و
- کارتهای بسیاری از زنان عکس یا فوتو ندارد.

این همه کمبودها و نواقص، و غیر مشخص بودن رایدهنگان به مراکز معین، شمارش تعداد رایدهنگان را ناممکن میسازد و همچنان امکان ارتکاب تقلب را توسط رایدهنگان بیشتر میسازد (مخصوصاً چند بار رای دادن را).

گرچه انتخابات در افغانستان در حالی برگزار شد که سرحدات ولایات و کشور درست تعریف شده بود و سرحدات ولسوالیها نیز تا اندازه زیاد (اگرچه نامکمل) مشخص است اما سرحدات شاروالی ها و قریه ها بدرستی تعریف و شناخته نشده است.

پیشنهادات:

- کمیسیون مستقل انتخابات و وزارت امور داخله باید عاجلاً زمینه را برای یک تفتیش یا ارزیابی کارشناسانه و مستقل مساعد بسازند تا سیستم فعلی ثبت نام و کارتهای توزیع شده را تفتیش و ارزیابی نمایند. یافته هایشان باید برای پلانگذاری یک سیستم جامع و متداوم ثبت نام که رایدهنگان را به مراکز و حوزه های مشخص رایدهی معین سازد، منجر شود. اگر ممکن باشد پروسه ثبت نام رایدهنگان و نفوذ شماری همزمان صورت بگیرد بدلیل اینکه لست رایدهنگان از بین لست کامل شهروندان بیرون شود.
- تاکید بیشتر باید بالای ایجاد یک لست متداوم رای دهندهگان صورت بگیرد و این کار باید به عجله صورت نگیرد. هدف باید طوری باشد تا پروسه جدید ثبت نام مجدد الی انتخابات بعدی ریاست جمهوری، ولسی جرگه و شوراهای ولایتی (2009) تکمیل شود.
- تعیین سرحدات ولسوالی ها، شاروالی ها و قریه ها باید قبل از آغاز ثبت نام رایدهنگان آغاز شود تا یقین حاصل شود که این معلومات در کارتهای رایدهی انعکاس داده شده است.
- حکومت باید حوزه های انتخاباتی را مشخص نماید تا در انتخابات بعدی بتواند گزینه های بیشتری برای سیستم های انتخاباتی داشته باشد. برای اینکار باید معلومات بدست آمده از ثبت نام مجدد/نفوذ شماری را استفاده کند تا از دقت و حجم مناسب حوزه های رایدهی متیقن شود.²

² نخست باید انتخابات گذشته به اساس این حوزه ها باشد، بدین لحاظ قبل از 2009 ناممکن است.

د. تفاوت‌های منطقی

طوری‌که توقع میرفت، ستاندردهای انتخابات در سراسر کشور متفاوت بود. در عموم، این ستاندردها در مناطقی که امنیت خوب و نهادهای دولتی قوی‌تر بود، بهتر بود. انتخابات ضعیف یا بد - خصوصاً موضوعات چون تهدید رای‌دهندگان، و استعمال رای زنان توسط مردان - در اطراف زیاد بود بویژه در سمت جنوب و جنوب شرق. دموکراتیزه ساختن این مناطق یک عمل طولی‌مدت خواهد بود و چالش‌های چندجانبه‌ای را در بر خواهد داشت که به دانستن حساسیت‌های فرهنگ محلی نیاز دارد. این خیلی مهم است که در انتخابات آینده خلاهای روستایی/شهری و منطقی فعلی کمتر، نه وسیع‌تر شود.

پیشنهادات:

- این هدف ستراتیژیک برای کمپاین، رایدهی و نظارت در تمام ساحات افغانستان در جریان انتخابات‌های بعدی باید ادامه داده شود.
- در تعلیمات رای‌دهندگان و تعلیمات مدنی باید بالای مناطقی که آگاهی مردم بشکل سنتی محدود است تمرکز بیشتر صورت گیرد. مبلغین آگاهی عامه باید در پیشبرد وظایف‌شان از طرف نیروهای امنیتی ملی و بین‌المللی حمایت شوند. جامعه مدنی افغانستان که از حساسیت‌های فرهنگی فهم خوب دارد و میتواند در شرایط خیلی دشوار امنیتی فعالیت کند، باید رهبریت این سعی را به عهده داشته باشد.
- کمیسیون مستقل انتخابات باید برنامه‌هایی را برای مناطق روستایی و یا مناطقی که رسیدگی نهادها به آن کمتر است، روی دست بگیرد. عناصر آن شامل موارد ذیل میشود:
 - استخدام پیش از وقت که به دقت نظارت شود؛
 - آموزش طولانی برای کارمندان محلات رایدهی و شمارش از این مناطق.
 - خصوصاً تعلیمات رای‌دهندگان (طرح شده مطابق شرایط منطقه) و
 - نظارت شدید با دخیل ساختن کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی، و تطبیق جدی اصول و مقررات.
- ظرفیت‌های ناظرین داخلی برای نظارت انتخابات در سراسر کشور باید بالا برده شود، بشمول پرداخت مصارف و مشوق‌ها تا از مناطق دور دست نظر کنند.
- برای احزاب، کاندیدان و مشاهدین از مناطق دشوار، آموزش‌های اضافی و تخصصی داده شود. این آموزش‌ها باید بالای کمپاین‌ها مطابق پلیت فورم، مبتنی بر حمایت چند-ملیتی، سهم زنان در انتخابات، راه اندازی مبارزات انتخاباتی در شرایط سخت، سیستم درج شکایات، اهمیت اپوزیسیون سیاسی و پذیرفتن نتایج تصدیق شده، تاکید نماید.
- سعی و تلاش شود تا در مناطق بسیار مشکل ساز اعلانات رسانه‌ای (خصوصاً در رادیو) صورت گیرد.

ه. عدالت انتقالی و سیستم انتخاباتی

قانون انتخابات به بیرون نمودن نام هر کاندیدکه محکوم به جرایم شده باشد بشمول جرایم علیه بشریت، یا بستگی به گروه‌های مسلح غیرقانونی، حکم مینماید. گرچه نامهای 33 تن از کاندیدان بالاخره از لست کاندیدان در اوراق رایدهی بیرون شد³، بسیاری افغانها و مدافعین حقوق بشر از موجودیت نامهای تعداد قابل ملاحظه "جنگ سالاران" یا "قومندانان سابقه" که در خشونت‌های گذشته دست داشتند، اظهار نگرانی نمودند. بعضی‌ها به این باور اند که این کار سبب اشتراک پائین مردم در انتخابات شد، خصوصاً در روستاها.

³ تمام‌شان بدلیل دست داشتن به گروه‌های مسلح غیرقانونی.

پروسة تزكيه كاندیدان مهم بود اما توقعات مردم از آن غير واقعی بود. سیستم انتخاباتی نمیتواند جاگزین محکمه و یا کمیسیون بر ملا کننده واقعیت باشد.

پیشنهادات:

- افغانستان باید در عرصه موضوعات دشوار عدالت انتقالی پیشرفت کند؛ بویژه در ساحات اصلاحات اداری و قضائی، جستجوی حقایق و مستند سازی، و مسئولیت پذیری قضائی، در غیر آن واقعاً خطر تحت تاثیر آوردن انتخابات های آینده توسط این عناصر از احتمال بعید خواهد بود.

- نهادهای برگزارکننده انتخابات باید از تصامیم پیرامون خلع سلاح و جرایم سابقه حمایت کنند اما تصمیم گیرنده نباشند. کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی نهاد مناسبی برای رسیدگی به چالشها در رابطه به واجد شرایط بودن کاندیدان و تخطی های انتخاباتی است. این نهاد باید منابع و کارمندان کافی برای اجرای وظایف محوله خود داشته باشد. اگرچه یک نهاد انتخاباتی نمیتواند و نباید در مورد جرم مجرمین تصمیم بگیرد یا پیرامون خلع سلاح ارزیابی نماید. تصامیم کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی باید صرفاً مبتنی بر تصامیم نهادهائیکه مشخصاً صلاحیت و منابع برای این اهداف دارند، باشد. عیناً در مسایل ذیل:

– وابستگی به گروه های مسلح: کمیسیون مختلط⁴ یا یک نهاد متخصص شبیه آن باید منبع شواهد و مدارک قاطع پیرامون وابسته بودن به گروه های مسلح غیر قانونی باشد. نقش چنین کمیسیون باید مشخص و مدون باشد و نهایت سعی شود تا طرز عملهایش معین و شفاف باشد و در آینده قابل پیشبینی، باید دارای نمایندگان زیاد بشمول اعضای از جامعه بین المللی، باشد.

– جرایم: تصمیم در مورد مسئولیت یک کاندید در قبال جرایم بشمول جرایم ضد بشریت باید توسط یک نهاد قضایی یا توسط نهاد دیگری که قانوناً صلاحیت آنرا داشته باشد، مانند کمیسیون بر ملا کننده واقعیتها یا محکمه خاص که به این هدف تاسیس گردیده باشد، گرفته شود.

– صرف نظر از مودل انتخاب شده، هیچ کاندید باید از حق کاندید شدن بدون طی مراحل قانونی محروم نشود.

- هیچ عضو متهم پارلمان به جرم شدید بشمول جرایم ضد بشریت و عدم خلع سلاح نباید با استفاده از مسئولیت پارلمانی از تعقیب عدلی و قضایی ابراء ورزد.⁵

- صلاحیت هر کمیسیون بر ملاکننده واقعیت و اصلاحی افغان باید شامل موارد ذیل باشد:

- مجبور ساختن کاندیدهای انتخاباتی برای حضور در پیشگاه آن؛ و
- صلاحیت برای پیشنهادات الزامی جهت بیرون نمودن کاندیدان از ورق رای دهی، خصوصاً در صورت عدم حضور یا همکاری کامل.

- در تعلیمات مدنی باید برای رایدهندگان تاکید شود که آنها میتوانند از موفق شدن کاندیدان بد (متهم به جرایم) توسط رای ندادن جلوگیری کنند و همچنان تاکید شود که تمام تدابیر برای سری بودن رای دهی روی دست گرفته خواهد شد.

4. یک کمیسیون مختلط دارای اعضای ملی و بین المللی برای نظارت بر پروسه خلع سلاح.

5. ماده 102 قانون اساسی شاید در این مورد صراحت داشته باشد. ترجمه موجود نزد تیم حمایت انتخاباتی واضح نیست.

و. چارچوب حقوقی:

پارلمان جدید مکلف است تا تمام فرامینی را که در حیطه صلاحیتش است بازنگری کند، بشمول فرامینی که در رابطه به انتخابات صادر شده است. اولویت های پارلمان در رابطه انتخابات میتواند شامل نقاط آتی باشد:

- بازنگری و تعدیل قانون شوراهای ولایتی؛
- مشخص نمودن مسئولیت های کمیسیون مستقل انتخابات جدید و متیقن شدن از حمایت بودجوی آن؛
- بازنگری جدول زمانی انتخابات - کدام انتخابات، در کدام زمان، و چطور برگزار شود؛
- قانون جدید پیرامون انتخابات شاروالی ها (و انتخابات در سطوح دیگر بستگی به توافق بر جدول زمانی دارد؛
- حوزه بندی، و
- سرشماری؛ ثبت احوال و نفوذ و توزیع کارت رایدهی.

پیشنهادات:

- یک قانون جدید باید عجلتاً تصویب شود تا مشروعیت شوراهای ولایتی را واضح و صلاحیت های آنرا تقویت بخشد.
- در رابطه به ماده هشتاد و ششم قانون اساسی باید تجدید نظر شود که تا بحال کمیسیون مستقل انتخابات را مکلف به بازنگری در مورد اعضای برحال پارلمان میسازد. نقش کمیسیون مستقل انتخابات به کاندید ها محدود شود و نباید مقامات منتخب را تحت پوشش قرار دهد.
- پارلمان باید حتی الامکان در قانون انتخابات از فشار بیشتر بالای نهاد برگزار کننده انتخابات و کارمندان آن در رابطه به عدم تجربه، جلوگیری نماید.
- حین بازنگری قانون انتخابات، پارلمان باید پیرامون موضوعات آتی تجدید نظر نماید:

- پاراگراف (بخش) " قتل یا ترور" - اگر یک عضو پارلمان می میرد یا استعفاء میکند باید کاندید بعدی که بیشترین آراء را بدست آورده است از عین جنس جایگزین آن شود. بعضاً خوف این است که این عمل ممکن سبب خشونت بین مقامات منتخب شود. با در نظر داشت شرایط حاکم در افغانستان که ظرفیت ها برای برگزاری انتخابات محدود است، یگانه بدیل عملی خالی گذاشتن کرسی خواهد بود.⁶

- عدم سازگاری با وظیفه دولتی - شخصیکه خود را بحیث کاندید ثبت نام مینماید مکلف است تا از پست دولتی استعفاء کند و حق ندارد به پست قبلی خود برگردد، مگر اینکه دو باره از طریق رقابت آزاد تقرر حاصل کند. بعضی تضمین های قوی تر در زمینه ممکن بهتر باشد.

⁶ ممکن مراجعه برای نظرخواهی به ستره محکمه نیاز باشد تا در مورد تصمیم بگیرد که آیا مطابق ماده 108 قانون اساسی میتوان کرسی را خالی گذاشت. این ماده حکم میکند "قانون جایگزین تعیین میکند" برای یک متوفی، مستعفی، یا عضو سلب شده از پارلمان.

ز. اداره انتخابات:

کمیسیون مستقل انتخابات سرانجام مسئول برگزاری انتخابات در افغانستان است. برای این انتخابات، کمیسیون مستقل انتخابات با شامل شدن یک بخش بین المللی بنام دفتر مشترک تنظیم انتخابات وسیع شده بود. ناظرین و تحلیلگران عموماً از دفتر مشترک تنظیم انتخابات و دارالانشای آن بخاطر شفافیت و کفایت شان، ستایش نمودند. بعد از ختم پروسه این انتخابات، کمیسیون مستقل انتخابات بار دیگر بحیث نهاد برگزار کننده انتخابات خواهد بود.

پیشنهادات:

- کمیسیون مستقل انتخابات و حمایت اداری از آن باید دائمی باشد. این کمیسیون باید متشکل از 9 عضو افغانی با یک دارالانشاء در کابل و دفاتر ساحوی در 34 ولایت باشد. ریاست دارالانشاء باید بدوش یک رئیس اجرایی باشد. کمیسیون های انتخاباتی در سطح ولایات، ولسوالی یا پائین تر از آن میتواند عندالضرورت جهت حمایت از انتخابات مشخص⁷ یا ثبت نام رایدهندگان، تاسیس شود.
- مراجع تمویل کننده باید عجالاً برای حفظ کارمندان کمیسیون امکانات مالی فراهم کنند (9 عضو افغان، و الی 120 کارمند کلیدی در کابل و ولایات) و همچنان هزینه پیشبرد کمیسیون را حد اقل برای یکسال پرداخت نمایند. معاشات باید متناسب با معاشات خدمات ملکی در افغانستان باشد.
- در بودجه ملی افغانستان باید یک ستون اضافه شود و یکمقدار کمک محدود برای کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون سمع شکایات در سال 2006 فراهم کند. به کمک های بین المللی بشکل نزولی متناسب به ارتقای ظرفیتها و عاید ادارات ملی، تا یک زمانی نیاز است.
- کمیسیون مستقل انتخابات و دارالانشای آن تا آینده قابل پیشبینی باید توسط مشاورین بین المللی در امور ذیل کمک شوند:
 - ارزیابی پروسه انتخابات 2005 و شناسایی دروس آموخته شده از آن؛
 - ستراتیژیهای برنامه های آموزشی و ارتقای ظرفیت برای کمیسیون مستقل انتخابات و کارمندان انتخاباتی؛
 - کمکهای تکنیکی در مسایلی مانند پلانگذاری، لوجیستیک، تکنالوژی معلوماتی، منجمنت، امور حقوقی و آگاهی عامه، و
 - طرح یک برنامه تعلیمات مدنی در سطح ملی.
- کمیسیون مستقل انتخابات باید تمام تدابیر لازمه را جهت افزایش اعتماد عامه و سیاسی بالای این انتخابات، اتخاذ نماید. کمیسیون باید:
 - پالیسی های حد اکثر شفافیت و توسعه را توسط دفتر مشترک تنظیم انتخابات ادامه دهد؛
 - به هر اتهام تعصب آمیز علیه کارمندان، پاسخ موثر بدهد.
 - برای یقینی ساختن کثرت گرایی در اداره انتخابات سعی بیشتر نماید، خصوصاً در سطوح محلی.
- تفکیک بین فعالیت های اداره انتخابات (کمیسیون مستقل انتخابات) و نهاد مستقل دآوری انتخاباتی (کمیسیون سمع شکایات) باید حفظ شود.
- کمیسیون مستقل انتخابات باید در استخدام کارمندان خود سعی کامل بخرج دهد تا اطمینان حاصل کند که دارای یک اداره چند قومی و شبکه خوب برای پیشبرد فعالیتها خود دارد.

⁷ در این انتخابات، کمیسیونهای انتخابات ولایتی هم به دفتر مشترک تنظیم انتخابات و هم به کمیسیون سمع شکایات پاسخگو بودند. این ساختار دوگانه بعضی سوء تفاهات را ایجاد نموده بود.

ح. شکایات انتخاباتی و دعاوی

ایجاد و اجراءت کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی یک پیشروی در سال 2004 محسوب میشود. این نهاد برای انتخابات های بعدی به پشتیبانی قوی وامکانات بهتر نیاز دارد. اکثریت شکایت کنندگان در مورد پروسه انتخابات یا ضرورت درج دعوا با شواهد و مدارک قوی را درست نمی فهمیدند.

ضعف در نهادهای دیگر پروسه تزکیه کاندیدان و کمیسیون سمع شکایات را در مرکز کوششهای رسیدگی به مسایل عدالت انتقالی قرار داد (به پیشنهادات فوق در بخش "ه" مراجعه کنید). بعد از عدم واجدالشرایط شناختن 208 نفر کاندید بشکل مؤقت، بالآخره کمیسیون سمع شکایات در مجموع 44 کاندید را اندکی قبل از روز انتخابات از لست بیرون نمود (اکثریت آنها بخاطر رابطه داشتن با گروههای مسلح غیر قانونی). 22 کاندید در روزهای انتخابات عدم واجدالشرایط شناخته شدن که برای اداره برگذار کننده انتخابات خیلی دیر بود تا اوراق رایدهی را تعدیل یا رایدهنگان را از موضوع بصورت درست آگاه بسازد.

گرچه مطابق قانون انتخابات، فیصله های کمیسیون سمع شکایات نهایی است اما ستره محکمه در روزهای قبل از انتخابات مداخله نمود و کوشش کرد تا یکتعداد از کاندیدان بیرون شده را دو باره شامل لست بسازد. منازعه بین این دو نهاد بالآخره از طریق مشوره های غیر رسمی نه از طریق فیصله های قانونی، حل گردید. باید تذکر داد که بخصوص شامل ساختن دوباره یکی از کاندیدان انات در لست رایدهی بسیار سوال برانگیز بود.

پیشنهادات:

- کمیسیون سمع شکایات نباید یک نهاد راکد باشد بلکه باید بحیث یک نهاد تصمیم گیرنده پیرامون تخطی های انتخاباتی در یک دوران مشخص انتخاباتی، شناخته شود. باید به این نهاد صلاحیت واضح و قوی و امکانانت کافی برای اجرای وظایف محوله اش، داده شود.
- برای هر انتخاباتی که در سطوح پائین الی قبل از سال 2009 دایر میشود کمیسیون سمع شکایات ویژگی داشتن اعضای ملی و بین المللی خود را حفظ نماید. در انتخابات 2009 کمیسیون سمع شکایات انتخابات باید صرفا دارای اعضای ملی باشد (ممکن مشاورین بین المللی داشته باشد). بالآخره، توجه شود تا صلاحیتهای کمیسیون سمع شکایات با در نظر داشتن سرعت اصلاحات در عرصه عدلی و قضایی، شامل سیستم محاکم شود.
- صلاحیتهای مربوطه کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون سمع شکایات باید واضح و از هم جدا باشد. پاسخگو بودن کمیسیونهای انتخابات ولایتی به هردو نهاد باعث ابهام در شکایات و تضاد منافع واقعی یا ظاهری میگردد.
- نمایندگان کمیسیون سمع شکایات باید در دوران انتخابات در تمام ولایات با داشتن صلاحیت برای تصمیم گیری (بشکل الزامی) پیرامون موضوعات تعریف شده با امکانات کافی و برنامه های آموزشی برای اكمال وظایف شان، حضور داشته باشند.
- فورمه های شکایات باید هرچه ساده تر تهیه شود و یک میکانیزی ساخته شود تا دریافت شکایات را از مردم بیسواد، آسان بسازد.
- فیصله های کمیسیون سمع شکایات باید علنی و به زبان مناسب و هرچه عاجلتر صورت گیرد⁸. کمیسیون سمع شکایات باید بشکل منظم بعد از ختم هر دوره انتخاباتی گزارشات جامعی را که شامل آمار و ارقام و طرح ملی باشد، منتشر نماید.

⁸ نام ها یا سایر تفصیلات میتواند در صورت ضرورت بخاطر مصئونیت فرد یا گروه از افراد دخیل در پروسه شکایات، حذف شود

- تیم حمایت انتخاباتی بار دیگر پیشنهاد مینماید تا نقش ستره محکمه در امور انتخاباتی هر چه عاجلتر واضح شود. مطابق اصول قانون اداری، فیصله های کمیسیون انتخابات و کمیسیون سمع شکایات باید نهایی پنداشته شود. محکمه ذیصلاح میتواند در موارد استثنایی صرف به اساس دلایل صلاحیت قضایی یا در مطابقت با قانون اساسی، پیرامون فیصله ها تجدید نظر نماید.
- در اصول، برای کاندیدانیکه مرتکب تخطی های انتخاباتی میشوند یا عدم واجدالشرایط بودن شان ثابت میگردد، کدام ضرب الاجل (مگر اینکه نتایج نهایی اعلان شود) وجود ندارد، اما در آینده باید سعی شود تا از حذف نام کاندیدان در روزهای نزدیک به انتخابات جلوگیری شود.

ط. طرز العمل و موضوعات عملیاتی رایدهی

عموماً طرز العمل های رایدهی خوب تعقیب شد و مواد در محلات رایدهی به وقت و زمان مطابق نیازمندی رسید. اما سوء عمل مخصوصاً رایدهی مردان بجای زنان در اطراف بسیار عام بود بخصوص در مناطق جنوب و جنوب شرق. بوضاحت معلوم شد که برنامه های آموزشی نسبت به 2004 بهبود یافته است گرچه تطبیق طرز العمل باز نمودن و بسته نمودن محلات رای دهی در بعضی مناطق ضعیف بود. کدام تسهیلات لازم برای "نیاز به رای دهی خاص" (مثلاً برای نیروهای امنیتی در حال اجرای وظیفه، کارمندان انتخاباتی در حال اجرای وظیفه و بیماران بستری در شفاخانه ها) در نظر گرفته نشده بود.

پیشنهادات:

- کمیسیون مستقل انتخابات باید سعی نماید تا رای دادن مردان بجای زنان را نکوهش کند. این عمل هنوز هم خیلی مروج است، خصوصاً در مناطق روستایی.
- کمیسیون مستقل انتخابات باید پیام واضحی را به کارمندان انتخاباتی بدهد که هر عمل قصدی برای سوء اداره انتخابات قابل تحمل نخواهد بود. به پالیسی عدم استخدام دوباره کارمندان از محلاتیکه اجراءت بد داشتند، ادامه بدهد. در موارد مناسب تدابیر برای پیگرد عدلی و قضایی باید اتخاذ شود.
- هدایات صریح پیرامون همکاری با رایدهندگانیکه نابینا یا معلول نیستند ولی مطالبه کمک را مینمایند داده شود. این قضیه بخاطر سطح بلند بیسوادی در کشور بیشتر اتفاق میافتد. دادن هدایات و رهنمایی ها پیرامون یک توازن میان سری بودن رایدهی و کمک نمودن در صورت ضرورت با کسانیکه در رابطه به پروسه به غلط فهمی روبرو شده اند، نیاز است.
- برنامه ها باید پیرامون رایدهی ویژه "برای اشخاص دارای معلولیت های خاص وغیره" در انتخابات آینده تطبیق شود، بخصوص برای آنده رای دهندهگانیکه در شفاخانه ها بستری اند یا کسانیکه در حال اجرای وظیفه در داخل حوزه های انتخاباتی ایکه در آن ثبت نام نموده اند.

ی. شمارش و جدول بندی آراء

به دلیل طولانی بودن ورق رایدهی، شمارش در یک مرکز، و ضرورت به مخلوط آراء قبل از شمارش بخاطر حفظ سریت آراء محلات، پروسه شمارش و جدول بندی نهایت مغلط بود. شمارش در سطح مرکز ولایت نیاز به کارمندانی دارد که آموزش ویژه گرفته باشند و همچنان نیاز به مکان و زمان زیاد، دسته بندی هر محل رای دهی بخاطر حفظ سری بودن آراء و نظارت بدرجه بالاتر دارد. گرچه اینکار باعث بطی بودن شمارش و تاخیر اعلان نتایج گردید.

پیشنهادات:

- تصمیم برای شمارش آراء در مراکز با در نظر داشتن شرایط این انتخابات تصمیم درست و بجا بود. شمارش در محلات رای دهی یک آرزو است اما در صورتیکه امنیت، شایستگی انتخاباتی، ارزیابی شفافیت بشکل موثر و فضای عاری از هر نوع فشار بیجا باشد. بشکل یک گام موقت، شمارش میتواند در سطح پائین تر از ولایت با یکتعداد مراکز در هر ولایت که به اساس نیازمندیها (حجم نفوذ، مسایل لوجستیکی و غیره) صورت گیرد.
- کارمندان حصول صندوق های آراء و شمارش باید حتی الامکان آموزش ببینند. میتوان آموزگاران تعلیمات مدنی را بحیث کارمندان شمارش آراء استخدام نمود تا از دانش انتخاباتی شان که در جریان کار حاصل نموده اند استفاده شود.
- هر انتخاباتیکه قبل از پروسه ثبت نام مجدد (2009) برگزار شود به تعداد قابل ملاحظه اوراق رایدهی نیاز خواهد داشت. در چنین شرایط، کمیسیون مستقل انتخابات بار دیگر به اتخاذ تدابیر جهت اطمینان از تامین اوراق رایدهی و محاسبات، نیاز خواهد داشت.
- با داشتن کارمندان با تجربه در محلات رایدهی، میزان اشتباهات پیش بینی شده برای تفاوتها در جریان تلفیق آراء پائین خواهد آمد. (در حال حاضر در حدود 10 ورق رایدهی کمتر و یا بیشتر در هر محل رایدهی میباشد). خصوصاً زمانیکه تعداد اوراق تلفیق شده بالاتر از تعدادی باشد که در ابتداء توزیع شده است.
- طرز العمل پیرامون اینکه اوراق بدون مهر شمارش نشود باید یا جدی تر تطبیق شود و یا صرف نظر شود.
- برای ناظرین و مشاهدین فرصت کافی داده شود تا در مورد فیصله صحت و سقم ورق رایدهی اعتراض بکنند و یا برای شمارش دوباره تقاضا بکنند.
- طرز العمل قرنطین صندوق های رای باید قبل از شمارش تهیه و نشر شود تا ناظرین و مشاهدین را در فهم بیشتر پروسه کمک کند.

ك. کاندیدها و احزاب سیاسی

در حال حاضر 78 حزب سیاسی در افغانستان ثبت و راجستر شده است. اکثر این احزاب جدید التاسیس است. بسیاری از افغانها بخاطر دست داشتن این احزاب در خشونت های گذشته بالای این احزاب باور ندارند. اما بعضی ها به این نظر اند که وجود یک دموکراسی پارلمانی فقط با داشتن احزاب سیاسی قوی ممکن است. صرف 12% کاندیدان از مجموع تقریباً 5800 کاندید ادعای عضویت در این احزاب را نمودند، گرچه اصول و مقررات موجوده نسبت کاندید را به یک حزب اجازه نمیداد که این نسبت در ورق رای دهی انعکاس کند. گردش معلومات بین اداره برگزارکننده انتخابات و بسیاری از کاندیدان (که اکثراً در قوانین و مقررات دیگر کشورها توسط احزاب سیاسی صورت میگرفت) یک چالش بزرگ انتخاباتی بود. تعداد مشاهدین احزاب و کاندیدان که اعتبارنامه حاصل نموده بودند الی روز انتخابات از 200000 بالا تر شد. باوجود اینکه این تعداد بزرگ مشاهدین و کاندیدان یکبار اضافی بالای اداره انتخابات بود و در بعضی محلات و مراکز رایدهی یک عامل گیج کننده بود اما شفافیت انتخابات را بشکل قابل ملاحظه ای افزایش بخشید.

پیشنهادات:

- وابستگی حزبی یک کاندید باید در ورق رای دهی مشخص شود. کاندیدان مستقل باید حق استفاده نشان ها را برای تفکیک شدن، داشته باشند.

- برای جلوگیری از کاندیدان غیر واجد شرایط و رقم بلند انصرافات کاندیدان، معلومات واضح و عامه در رابطه به نقش و مسئولیتهای کاندیدان باید قبل از پروسه ثبت نام کاندیدان بدسترس گذاشته شود.
- از کاندیدان باید در جریان ثبت نام خواسته شود تا تفصیلات کافی را برای آسانی تماس در اختیار کارمندان انتخاباتی بگذارند. با اینکار کارمندان انتخاباتی میتوانند موضوعات مهم را مانند میکانیسم شکایات و تغییر در اصول و لوايح را به آسانی به کاندیدان انتقال بدهند. از کاندیدان باید خواسته شود تا بعضی معلومات را در مورد خط مشی شان نیز ارائه بدارند تا از طرف کمیسیون مستقل انتخابات به نفع کاندیدان بنشر برسد.
- کمیسیون مستقل انتخابات باید در خلال دوره های انتخابات فعالیتهای موفق احزاب و کاندیدان را نهادینه بسازد، کارمندان انتخاباتی، احزاب و کاندیدان را جهت بحث روی بهبود پروسه های انتخابات دور هم جمع کند.
- کدام حد برای تعداد مطلق مشاهدین باید نباشد. گرچه تعداد مشاهدین هر کاندید در هر محل یا مرکز رای باید تنظیم شود. انتخابات مبتنی بر احزاب تعداد فعلی غیر قابل ادار G مشاهدین را کاهش خواهد داد. برنامه های آموزشی برای مشاهدین باید در اولویت قرار داده شود. احزاب و کاندیدان باید مسئولیت تخطی های نماینده های خود را متقبل شوند.

ل. انکشاف طویل المدت احزاب سیاسی و کاندیدان

پیشنهادات:

- انکشاف احزاب سیاسی و کاندیدان باید در سالهای آینده در راس اولویت ها قرار بگیرد و بالای موضوعات ذیل تمرکز کند:
 - تشکیل و ساختار حزب؛
 - نقش احزاب بالای اپوزیسیون و کاندیدان نا موفق؛
 - مسایل جندر
 - ساختار پارلمان و حکومت؛
 - طرح پالیسی ها و خط مشی ها؛
 - حفظ ریکورد مالی؛ و
 - ارتباطات و فعالیتهای انکشافی درین راستا بشمول رسانه ها.
- پارلمان با همکاری کارشناسان باید قانون موجوده ثبت و راجستر احزاب را بازبینی کند. پروسه ثبت و راجستر باید زمینه ثبت و راجستر را بشکل بیطرفانه فراهم نماید و همچنان تضمین کند که احزاب راجستر شده از تعداد کافی اعضاء و ظرفیت اداری برخوردار هستند.
- برنامه های آموزشی و ارتقای ظرفیت میتواند احزابی را که در آن از قومیتهای مختلف عضویت دارند و مساوات جندر را ترویج مینمایند، مورد هدف قرار دهد، طوریکه در قانون اساسی نیز پیش بینی شده است. همچنان، احزاب و کاندیدان باید تشویق شوند تا خود را از محدوده قومی و قبیله ای بیرون نمایند.
- بخاطر کمک به احزاب خوب یا احزاب در حال انکشاف، مراکزی را میتوان تاسیس نمود جاییکه احزاب و کاندیدان مستقل بتوانند از منابع موجود در آن مانند کمپیوتر و ماشین فوتوکاپی، محل

مجالس و تریننگ، و مواد تعلیمات مدنی استفاده کنند. یک کتابخانه را میتوان با منابع کتبی و شفاهی پیرامون مسایل سیاسی، حکومتداری و حزبی فراهم نمود.

- تمام تریننگهای احزاب و کاندیدان باید شامل مسئولیت های فعلی شان جهت جدایی شان از گروهها مسلح غیر قانونی و حمایت کامل از پروسه خلع سلاح باشد. احزاب باید تشویق شوند تا در قبال تزکیه کاندیدانیکه به همچو رابطه ادامه میدهند یا دارای سابقه جرمی هستند، مسئولیتهای داخلی را بپذیرند.
- تاریخ اخیر افغانستان، خشونت بین جناح های سیاسی و نظریه "جناح برنده باید همه چیز را بگیرد" را یکی از ویژه گی های سیاست ساخته است. آموزش و گفتمان ها باید بالای ارزش مشارکت، پذیرش شکست و نقش کلیدی اپوزیسیون در یک نظام دموکراتیک، تمرکز نماید.

م. کمپاین/مبارزات انتخاباتی

فضای کمپاین یا مبارزات انتخاباتی متنوع بود. در بعضی مناطق کمپاین بسیار فعالانه به پیش برده می شد در حالیکه در مناطق دیگر فرصت ها محدود و پروسه کمپاین خاموش بود. طوریکه از همچو انتخابات یعنی با این تعداد زیاد کاندیدان مستقل توقع میرفت، عموماً کمپاین ها بصورت مبتنی بر شخص بود نه بصورت تبادلۀ خط مشی ها و موقف ها. بخصوص در مناطق روستایی که پروسه کمپاین معمولاً از طریق تماس ها با بزرگان اقوام و قبایل صورت میگرفت. نگرانی های امنیتی کمپاین ها توسط زنان را محدود ساخته بود بویژه در مناطق دور از شهر (روستاها).

طوری معلوم میشد که تعدادی از کاندیدان بالاتر از حد تعیین شده برای مصارف کمپاین، مصرف نمودند. همچنان معلوم میشد که حکم رئیس جمهور پیرامون بیطرفی جدی مقامات دولتی بعضی تأثیرات مثبت داشت. گرچه اتهامات در رابطه به سوء استفاده از موقف ها و منابع دولتی زیاد بود. این شکایات منتج به خارج ساختن 9 کاندید توسط کمیسیون شکایات انتخاباتی گردید.

پیشنهادات:

- واضح است که کوشش های وسیع برای بهتر ساختن امنیت و آزادی گشت و گذار خصوصاً برای زنان فضا را برای کمپاین ها در انتخابات بعدی بهتر خواهد ساخت.
- از احزاب و کاندیدان باید خواسته شود تا حسابات مالی خود را به کمیسیون مستقل انتخابات تقدیم کنند.
- هدایات واضح پیرامون سوء استفاده از موقف ها و منابع باید ارائه شود و به جدیت تطبیق شود.

ن. تعلیمات مدنی و انتخاباتی

علاوه بر سایر موسسات فعال در این ساحه، دفتر مشترک تنظیم انتخابات منابع قابل ملاحظه ایرا در عرصه تعلیمات مدنی و انتخاباتی(تقریباً 20 میلیون دالر امریکایی) به مصرف رسانیده است. در حالیکه این عمل بحیث یک تعهد قوی به تعلیمات انتخاباتی شناخته شده است اما انتقاداتی نیز مبنی بر اینکه بحد کافی وسیع نبود و شاید بشکلی باعث کمی اشتراک مردم در انتخابات شده باشد.

پیشنهادات:

- نیاز است تا تعلیمات مدنی یک پروژه جاری و متداوم باشد(نه اینکه صرف در زمان قبل از انتخابات فعال شود و بس)

- تعلیمات مدنی باید در مناطق روستایی و آن مناطق کشور که دارای محیط خیلی مشکل برای انتخابات هست، تمرکز بخصوصی داشته باشد. زنان، کوچی ها و سایر گروه های محروم به برنامه های ویژه نیاز خواهند داشت.
- تریننگ ها و منابع تعلیمات مدنی باید برای جهات مختلف ذی‌علاقه فراهم شود (مانند جوانان، بزرگان منطقه، ملاها، شوراها و ولایتی، نمایندگان رسانه ها، دست اندرکاران در بخش مکاتب و معارف، کارمندان صحتی و نهادهای جامعه مدنی).
- توجه خاص بالای جوانان خصوصاً در مکاتب ثانوی باید صورت گیرد. از پلان وزارت معارف برای تقویة تعلیمات مدنی در مکاتب باید حمایت صورت بگیرد، خصوصاً حمایت مالی.
- موضوعات تعلیمات مدنی باید شامل نظریه تفکیک قوا، نقش قوه مقننه، قوه اجرائیه، قوه قضائیه، مسئولیت پذیری، انتخابات، فعالیت های دموکراتیک و نقش زنان باشد.
- باید به آنده مؤسسات غیر دولتی که دارای تجارب در عرصه تعلیمات مدنی هستند فرصت ادامه فعالیت داده شود (مشروط بر رضائیت قناعت بخش بودن فعالیت هایشان) بخاطر اینکه این مؤسسات مهارتها و روابط خوب در جریان کارشان حاصل نموده اند.
- تمام مؤسسات غیر دولتی دخیل در تعلیمات مدنی باید جهت بلند بردن ظرفیتهایشان آموزش و حمایت دریافت نمایند. برای اطمینان از ارائه خدمات دقیق و درست به نظارت کامل نیاز است.
- استفاده از وسایل متنوع برای تعلیمات مدنی و انتخاباتی باید تداوم داشته باشد (مثلاً از طریق ساختار های مذهبی، رادیو، نشرات غیر چاپی و غیره). فعالیت ها باید روبرو، عمیق و بزبان مادری مردم صورت گیرد. کوشش های بیشتر باید صورت گیرد تا انجمن هاییکه زمینه را برای مجالس زنان و دریافت معلومات شان مساعد میسازد، تدویر گردد. همچنان، پیام ها باید ساده و مربوط به موضوع باشد (مثلاً چگونه ساختار حکومت حسابه به جامعه مفید تمام میشود، چگونه از نمایندگان تان استفاده کنید و غیره).
- ارزیابی/سروی رای دهندگان بعد از انتخابات باید انجام شود تا فهمیده شود که رای دهندگان پیام ها را از کجا بدست آورده اند، کدام معلومات را بدست آورده اند و کدام معلومات را نتوانستند بدست بیاورند، دلایل عدم رای دهی، و شناسایی وسایل مناسب برای ارائه معلومات نیز درین سروی مشخص شده میتواند. این یافته ها میتواند اساس تعلیمات مدنی و انتخاباتی را تشکیل دهد.

س. رسانه ها

قانون انتخابات به ایجاد کمیسیون رسانه های انتخاباتی حکم میکند که بشمول دریافت و رسیدگی به شکایات رسانه ای، پوشش رسانه ها را در جریان انتخابات تنظیم کند. کمیسیون رسانه های انتخاباتی همچنان وقت مجانی معین و محدودی را برای هر کاندید جهت به نشر سپردن اعلانات انتخاباتی شان تنظیم و کنترل مینماید. تقریباً 53% کاندیدان از این فرصت استفاده نمودند. طوری معلوم می شد که سطح معلومات نشر شده در رسانه ها در رابطه به انتخابات، پائین تر بود (بجز اعلانات تمویل شده (تجارتی) و اعلانات مربوط به تعلیمات انتخاباتی).

پیشنهادات:

- ژورنالیستها، ایدیتوران و مدیران رسانه ها در سکتور دولتی و خصوصی پیرامون اصول رسانه ها برای تحت پوشش قرار دادن انتخابات باید آموزش دیده و منابع اطلاعاتی در اختیار شان گذاشته شود، بر علاوه آموزش های اضافی را میتوان برای رادیو افغانستان و تلوزیون ملی فراهم نمود.

- قانون انتخابات و قانون رسانه ها باید در رابطه به تحت پوشش قرار دادن انتخابات، تخلفات و مجازات، صراحت داشته باشد.
- از کمیسیون جدیدالتاسیس و دایمی کنترل رسانه ها که مسئولیت رسانه های صوتی- تصویری را دارد باید حمایت شود تا معیارهای رسانه ای را بشمول پوشش های رسانه ای انتخابات، ترویج و حفظ کند
- سیستم اعلانات تمویل شده (تجارتی) باید بشکل بسیار ساده و آسان باشد و معلومات لازم قبلاً در اختیار کاندیدان قرار داده شود.
- باید پیشرفت در عرصه برنامه های رسانه ای و پوشش آن در مناطقی که در حال حاضر به نبود برنامه های رادیویی و تلویزیونی مواجه هستند، صورت گیرد.

ع. نظارت داخلی

بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (فیفا)، بزرگترین نهاد نظارت کننده داخلی، عبارت از یک ائتلاف جدید از گروه های جامعه مدنی است. نهاد فیفا گزارش داد که در روز انتخابات بیش از 7400 ناظر را در تقریباً 65% ولسوالی ها جایجا نموده بودند که این یک افزایش قابل ملاحظه ایرا نسبت به انتخابات ریاست جمهوری نشان میدهد. معلوم میشود که سایر گروه های ناظر داخلی خیلی کوچک اند و عموماً در روز انتخابات در عین ساحاتیکه که ناظرین فیفا فعالیت مینمود، آنها نیز فعالیت مینمودند.

پیشنهادات:

- کشورهای تمویل کننده باید حمایت مالی خود را با فیفا و سایر نهادهای ذیعلاقه در نظارت انتخابات ادامه بدهند. در بخش ظرفیتهای تخنیکی و نهادینه ساختن آنها نیز باید فعالانه همکاری صورت بگیرد. فیفا و سایرین باید حمایت شوند تا از دیگر ابعاد حکومت نیز نظارت کنند مانند فعالیت های ولسی جرگه و شوراهای ولایتی.
- تمام نهادهای ذیدخل باید کار کنند تا از وسعت پوشش نظارت به سطح تمام ولسوالی های کشور در انتخابات آینده اطمینان حاصل شود.
- گروه های نظارت کننده داخلی باید بالای استخدام پرسونل شان از اقشار مختلف جامعه تاکید بیشتر نمایند و در عرصه استخدام ناظرین از طبقه اناث سعی بیشتر بخرچ دهند.
- گروه های ناظر افغانی باید تشویق و حمایت شوند تا رابطه خود را با نهادهای که در سایر کشورها و منطقه و فراتر از آن فعالیت دارند، برقرار نمایند.

ف. جامعه مدنی

در حدود تقریباً 2000 نهاد جامعه مدنی غیر دولتی و غیر سیاسی وجود دارد (اکثریت آنها انجمن های حرفوی اند). بعضی این نهادها تحت چتر اداراتی چون جامعه متجمع مدنی (که برای تقویه اصول دموکراسی و سهمگیری عامه فعالیت دارد)، دفتر هماهنگ کننده ملی افغانستان (که دارای آجندای وسیع است)، شبکه زنان افغان (که برای تقویه سهمگیری زنان در امور اجتماعی فعالیت دارد)، هستند.

پیشنهادات:

- کشورهای تمویل کننده باید به حمایت نهاد های فوق الذکر و امثال آنها جهت انکشاف جامعه مدنی از طریق همکاری های تخنیکی (مثلاً تدویر سمینارها و ورکشاپ ها) و از طریق بالا بردن آگاهی

پیرامون اهمیت جامعه مدنی (بشمول مقامات افغانی)، ادامه دهند. حمایت ها باید به مناطقی که فعالیت های جامعه مدنی در آنها ضعیف است، تمرکز نماید.

- دولت افغانستان باید اصول و مقررات موجوده پیرامون ثبت و راجستر نهاد های اجتماعی و غیر دولتی را تغییر دهد، تمام آنها را به یک قانون مدغم نماید که ثبت و راجستر تمام نهادهای غیر دولتی و غیر انتفاعی و غیر سیاسی در پرتو آن صورت بگیرد. باید سیستم مغلق ثبت و راجستر و شرایط گزارش دهی، درست و منطقی شود (بگونه مثال: تمام درخواستی ها صرف به یک اداره اجرایی تسلیم داده شود. همچنان باید بالای پروسه فعلی مشکل آفرین برای بدست آوردن منظوری قبلی هر پروژه پیشنهادی، تجدید نظر شود.
- کمک های بین المللی باید ادامه پیدا کنند اما مشروط و منوط به هدف طویل المدت خود کفایی پروژه ها و ادارات تا بدون نیاز به کمک یا تمویل خارجی در آینده ها، به کار شان ادامه داده بتوانند.

ص. اعضای جدید پارلمان

برنامه های متعدد برای ارتقای ظرفیت اعضای جدید انتخاب شده در ولسی جرگه و برای اعضای جدید انتصاب شده در مشرانو جرگه پلان شده است. این برنامه ها شامل ترینگ، کار آموزی اعضای پارلمان و کارمندان آن، حمایت زیربنایی و بودجوی و حتی احیای مجدد دفاتر است. طبعاً خلاهایی وجود دارد ولی نگرانی عمومی اینست که چنین برنامه های جامع برای اعضای شوراهای ولایتی جدید، وجود ندارد.

بدین ملحوظ اولویت ها برای کمکهای کشورهای تمویل کننده باید قرار ذیل باشد:

- برنامه های پلان شده را برای اعضای پارلمان بصورت منسجم و هماهنگ تطبیق نمایند؛ و
- به انکشاف برنامه های هماهنگ شده برای حمایت از اعضای شواهای ولایتی سرعت ببخشند.

پیشنهادات:

- یک ارزیابی عاجل از ضروریات عاجل شوراهای ولایتی بشمول زیربناها، مصارف اداری و ارتقای ظرفیتهای باید روی دست گرفته شود.
- برنامه ها با در نظر داشت اینکه بعضی اعضای پارلمان کاملاً یا عموماً بیسواد خواهند بود ترتیب شود. برای کسانی که بیسواد هستند کورس های سواد آموزی باید اجباری باشد. توجه شود تا آموزش ها با ترینگ ها بزبانهای رسمی و حد اقل به یکی از زبانهای بین المللی ارائه شود.
- برنامه های حماویوی پارلمان باید شامل پروگرامهایی برای خبرنگاران، نهادهای غیر دولتی، گروه های ذیعلاقه و غیره پیرامون چگونگی کار با اعضای پارلمان و پارلمان باشد. (مانند گزارش دهی از پارلمان و لابی سازی و غیره).

4. زنان و پروسه انتخابات

حد اقل 25% کرسی ها در ولسی جرگه و در شوراهای ولایتی برای زنان تخصیص داده شده است. توقع میرفت که بعضی کاندیدان زن کرسی ها را با متفرق ساختن آراء رقبای مرد شان از خود میکنند. 10% فیصد کاندیدان زن به مشکلات گوناگون مواجه بودند مانند قیودات بر گشت و گذار، دسترسی کم به منابع و اماکن کمپاین (مثلاً به شبکه های قبیلوی و مساجد) و تبعیضات عمومی (به گونه مثال: حملات خشونت آمیز). یکتعداد غیر قابل ملاحظه ای از کاندیدان زن از کاندیداتوری خود منصرف شدند (در حدود 18%، یعنی 50 تن از مجموع 286 تن) در سه ولایت تعداد کاندیدان زن کمتر از کرسیهای اختصاصی زنان بود.

در ثبت نام رایدهی سهم زنان اندکی افزایش یافته بود (الی 44% در مقایسه با 41.5% در جریان ثبت نام در انتخابات ریاست جمهوری). گرچه نگرانی‌ها بخاطر بالا رفتن دراماتیک سهم زنان در ثبت نام وجود داشت که شاید این کار بخاطر رای دادن مردان بجای زنان صورت گرفته باشد. در حدود 15% ناظرین و مشاهدین را که اعتبار نامه حاصل نموده بودند، زنان تشکیل میداد به این معنی که محلات رای دهی زنان خیلی کم تحت پوشش تدابیر برای شفافیت، بود. گزارشات موثق از استفاده آراء زنان توسط مردان رسیده است (خصوصاً رای دادن مردان بجای زنان) که این کار باعث شد رقم بلند اشتراک زنان را در انتخابات در بعضی مناطق زیر سوال ببرد.

پیشنهادات:

- سهم کرسی‌های اختصاصی برای زنان باید ادامه پیدا کند تا اینکه زنان دسترسی یکسان با مردان به سیستم‌های سیاسی پیدا کنند. کرسی‌های اختصاصی در حال حاضر در انتخاب پرسونل سطوح بالاتر باید بالای تمام پست‌های انتخابی در حکومت تطبیق شود.
- کمیسیون مستقل انتخابات باید داری "بخش جندر" باشد تا در رابطه به مسایل جندر معلومات ارائه نماید و فرصت‌های مساوی را برای رای‌دهندگان، کاندیدان، کارمندان، مشاهدین و ناظرین ذکور و اناث ترویج و مهیا نماید. بخش جندر همچنان میتواند نقش هماهنگ کننده را در فراهم نمودن برنامه‌های آموزشی، تسهیلات مجالس برای زنان و در موارد دیگری (بشمول سهم زنان در مطبوعات صوتی و تصویری) جهت رشد زنان در امور سیاسی، داشته باشد.
- کمیسیون مستقل انتخابات باید منابع و امکانات را برای داشتن کارمندان اناث در تمام سطوح کمیسیون افزایش دهد.
- کمیسیون مستقل انتخابات باید بودن عکس را در کارتهای رای دهی زنان اجباری نماید تا فرصت رای دادن مردان بجای زنان را کمتر سازد. اینکار باید با فراهم نمودن تسهیلات در ثبت نام و توزیع کارت رای دهی توسط زنان در اماکن مخصوص زنان، انجام شود.
- کمیسیون مستقل انتخابات باید برای کاهش رای دادن مردان بجای زنان از طریق آگاهی عامه، افزایش تریننگ‌ها و نظارت کارمندان و مجازات کارمندانیکه دیده میشود که اینکار را انجام میدهند یا زمینه را برای اینکار مساعد میسازند، سعی و تلاش خود را افزایش دهد.
- برای وزارت امور زنان (و خصوصاً ریاست‌های امور زنان در ولایات) باید نقش قوی تر، تریننگ‌های بیشتر و امکانات داده شود. وزارت باید با سایر بخش‌های دولتی و نهادهای غیر دولتی، و رهبران مذهبی جهت بهبود امور زنان و مساوات جندر در سطوح ملی و محلی (بشکل عمومی و خصوصاً در انتخابات)، در ارتباط باشد.
- زنان در پارلمان باید گروه خود را در داخل پارلمان ایجاد کنند تا بتوانند تشریک نظریات نمایند و در بهبود امور زنان و تساوی جندر همکاری کرده بتوانند.
- برنامه‌های مختلف باید برای زنان در شوراها هم در سطح ملی و هم در سطح ولایتی روی دست گرفته شود.
- برای مردان در پارلمان نیز باید تریننگ‌ها پیرامون مساوات و حساسیت‌های جندر روی دست گرفته شود. زنان و مردان در پارلمان باید تشویق شوند تا نقش فعال را در بهبود سهم زنان در امور سیاسی از طریق سخنرانی‌ها و سهمگیری در رسانه‌ها داشته باشند.
- یک نهاد غیر دولتی باید یک ارزیابی ما بعد انتخابات را با کاندیدان کامیاب و ناکام اناث انجام دهد و پیشنهادات ایشان را برای همکاری به کاندیدان زن جمع کند.

- برای افزایش کاندیدان اناث از مناطق روستایی باید حمایت بیشتر فراهم شود. اینکار در سطح ولسوالی و شاروالی که کاندید از عین حوزه انتخاباتی باشد، حایز اهمیت خواهد بود.
- همایش های تحت عنوان "زن در سیاست" برای جمعآوری پیشنهادات برای پارلمان، شواهای ولایتی، رهبران و احزاب سیاسی، جامعه مدنی و کشورهای تمویل کننده، باید صورت بگیرد.
- کار باید با احزاب سیاسی و کاندیدها پیرامون اهمیت زنان بحیث رای دهنده، کاندیدان، ضرورت استخدام مشاهدین اناث، غیر قانونی بودن رای دادن مردان بجای زنان و دسترسی به زنان رایدهنده، صورت بگیرد.
- برنامه تعلیمات مدنی باید در مشوره با زنان و نهادهای غیر دولتی بازبینی شود تا ستراتیژی دسترسی و رساندن معلومات برای زنان خصوصاً در مناطق که تنگ نظری علیه زنان وجود دارد، تقوین گردد.
- فعالیتهای آگاهی دهی موجود باید با مردم محل و علمای دین در رابطه به حمایت و بهبود سهم زنان در سیاست انجام شود. مخصوصاً، کار با مردان تا برای کار جهت سهمگیری زنان در سیاست بشکل فعال تشویق شوند (طوریکه این یک مانع بزرگ برای فعالیت زنان پنداشته میشود).

فیصله شماره 686 برای تیم حمایت از انتخابات افغانستان

شورای دائمی،

با در نظر داشت نامه محترم داکتر عبدالله عبدالله وزیر امور خارجه دولت اسلامی افغانستان عنوانی رئیس سازمان امنیت و همکاری اروپا مؤرخ 26 نومبر 2004 که از این نهاد دعوت بعمل آورده بود تا از انتخابات ولسی جرگه و شوراهای ولایتی در افغانستان نظارت کند، تیم حمایت از انتخابات مربوط به سازمان امنیت و همکاری اروپا میخوهد صمیمانه ترین تمنیات خود را خدمت جلالتمآب رئیس جمهوری افغانستان و کابینه محترم شان، وزیر محترم خارجه، رئیس محترم ستره محکمه، دفتر مشترک تنظیم انتخابات، دارالانشای دفتر مشترک تنظیم انتخابات و سایر مقامات افغان در سطوح مختلف بخاطر حمایت و همکاری شان ازین تیم تقدیم میکند.

از همکاری بی شایبه سفارت محترم افغانستان در ویانا ممنون هستیم. همچنان این تیم از دفتر یوناما، ایساف، اتحادیه اروپا، نماینده و کمیسیون اروپا، سفارتخانه ها و دیپلومات های مقیم در کابل، اظهار سپاس مینماید. این تیم همچنان میخوهد از ناظرین و نهادهای ملی و بین المللی بشمول ماموریت نظارت انتخابات مربوط به اتحادیه اروپا EUEOM، شبکه آسیایی برای انتخابات آزاد، بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (فیفا) و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و در نهایت، این تیم میخوهد از تمام آعده افغانانیکه برای تشریک نظریات و تجارب شان وقت گرانبهای شان را با ما صرف نمودند، سپاس گذاری نماید.

گروه موظف تهیه ستراتیژی ما بعد انتخابات مربوط یوناما، یک ستراتیژی ایرا برای حمایت از انکشاف اداره انتخابات و ظرفیت آن ساخته است. پیشنهادات این تیم سازگار با ستراتیژی مذکور میباشد.

همچنان با در نظر داشت نامه محترم بسم الله بسمل رئیس دفتر مشترک تنظیم انتخابات دولت جمهوری اسلامی افغانستان عنوانی رئیس سازمان امنیت و همکاری اروپا داکتر دیمتریچ روپل مورخ 6 جون 2005 که از این نهاد دعوت بعمل آورده بود تا از انتخابات ولسی جرگه و شوراهای ولایتی در افغانستان نظارت نماید،

با در نظر داشت یافته های ماموریت تحقیقاتی دفتر نهاد های دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا برای افغانستان از 26 مئی الی 1 جون 2005،

با توجه به وضعیت افغانستان بحیث همکار با سازمان امنیت و همکاری اروپا که تاثیر مهمی بالای مناطق همجوار با این نهاد نیز دارد،

با درک اهمیت انتخابات دموکراتیک برای سرعت بخشیدن نظام دموکراسی و حقوق بشر و تقوید ثبات در افغانستان و پشتیبانی از کوشش های جامعه بین المللی در مبارزه علیه تروریسم،

با در نظر داشت فیصله شماره 622 مورخ 29 جولای 2004 شورای دائمی پیرامون اعزام تیم حمایت انتخاباتی برای نظارت از انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان که در 9 اکتوبر 2004 دایر گردید.

با در نظر داشت شرایط در افغانستان خصوصاً شرایط فعلی امنیتی،

تصمیم گرفت تا در پاسخ به دعوت رسمی حکومت افغانستان برای نظارت از انتخابات ولسی جرگه و شوراهای ولایتی در افغانستان بتاريخ 18 سپتمبر 2005 یک تیم حمایت انتخاباتی را اعزام نماید و تصمیم گرفت که تمرکز اساسی تیم حمایت انتخاباتی برای انتخابات آینده باید برای تحلیل موضوعات آتی باشد:

– سیستم انتخابات، کمپاین و قوانین،

– اداره برگزار کننده انتخابات،

– ثبت نام رایندگان،

– شمارش و تلفیق آراء

– شکایات و دعاوی

همچنان تیم حمایت انتخاباتی موظف بودند تا پیشنهادات خود را برای بهبود انتخابات آینده و برای انتقال مهارت‌های برگزار نمودن انتخابات و منابع به ادارات ملی کشور ارائه نماید که مشوره دادن به ادارات در صورت ضرورت حتی در جریان انتخابات از صلاحیت های این تیم مستثنی نبود. تیم حمایت انتخاباتی باید از اظهارات عامه ای که انتخابات را با معیار های سازمان امنیت و همکاری اروپا مورد بررسی قرار میدهد تا از شایبه هاییکه ممکن است به وجود بیاید دوری نموده و به زدودن تناقضات بین فعالیتهای سازمان امنیت و همکاری اروپا در حوزه کاری اش و آنچه که خارج از حوزه کاری اش است تفکیک نماید.

این فیصله همچنان تقاضا مینماید تا دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر یا ODIHR با سایر نهادهای نظارت کننده ملی و بین المللی در افغانستان بشمول دفتر یوناما و ماموریت نظارت اتحادیه اروپا؛ هماهنگی داشته باشد.

و به دارالانشاء صلاحیت میدهد تا با حکومت افغانستان، قوای نظامی بین المللی و با ملل متحد پیرامون تدابیر خاص برای امنیت تیم حمایت انتخاباتی مشوره نماید تا از تدابیر امنیتی بشکل درست طوریکه ضرورت است اطمینان حاصل شود.

و پیشنهاد مینماید تا تعداد اعضای تیم حمایت انتخاباتی نباید از 50 تن کارشناسان انتخابات تجاوز کند که از طرف کشور های سهم گیرنده مطابق اصول و مقررات OSCE/ODIHR (دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا) بشکل خدمتی ارسال میگردد، با در نظر داشت وضعیت غیر ثابت امنیتی در افغانستان OSCE/ODHIR باید صرف کارشناسان انتخاباتی را با داشتن تجارب کار در ساحه شبیه شرایط افغانستان، بپذیرد.

مصارف تیم حمایت انتخاباتی از کمکهای فوق العاده بودجوی پرداخته خواهد شد.

این فیصله شامل فعالیت های OSCE (سازمان امنیت و همکاری اروپا) که خارج از ساحه صلاحیت جغرافیایی این نهاد باشد، نمیگردد.